

کودتای لبنان و ادامه زرد و خوردها

جنگ لبنان و تهاجم نیروهای فاشیست به جنبش ملی و چپ لبنان و انقلاب فلسطین جزئی از طرح جامع و امپریالیستهای

لبنان کشوری است که ساخت طبقاتی و شکل حکومتی ویژه آن - عدم وجود حکومت مرکزی و تقسیم قدرت دولتی میان احزاب و دستجات مختلف دینی و عشیره‌ای، وجود تضادهای مختلف بین العربی و وجود جنبش مقاومت فلسطین - همه اینها سبب میشد که امکان وقوع کودتای نظامی در لبنان و پایداری آن بندرت پیش بینی شود. این کشور که بعد از استقلالش در سال ۱۹۴۳ بارها صحنه زدخوردهای مختلف سیاسی و نظامی بوده است، تا بحال بخاطر همین ترکیب اجتماعی ویژه خود از معرض کودتاهای بی دربی دنیای عرب بدور مانده بود. ولی این بار تحت تاثیر شرایط ویژه دیگری، دگرگونیهای چند ماهه اخیر بشکل کودتای جلوه گر شد. این کودتا در عمل به نفع علت حرکتش تبدیل شد و نتوانست راه حلی هرچند موقت برای ایجاد صلح در لبنان ایجاد نماید و جنگ با شکل گوناگون آن همچنان ادامه دارد.

این کودتا گرچه غیر قابل پیش بینی بنظر میرسد و نقطه عطف اعجاب آوری در حوادث اخیر بود ولی امری اتفاقی نبود چه تاریخ و مبارزه سیاسی را با اتفاقات بدون پایه کاری نیست. این کودتا در حقیقت ادامه قطعی شدن نیروها و صف بندی نوینی بود که در ادامه یازده ماهه جنگ و خونریزی به ارتش نیز راه یافت. کودتای یازده مارس ادامه و تجلی واقعی حل میانه‌ای برای بز بست لبنان بود. اما چگونه؟

ارتش و انشعاب آن

ارتش لبنان که فرماندهان عمده آن از مسیحیان ارجحی هستند چندی قبل از کودتای اخیر، بطرفداری از نیروهای فالانژیست و دست راستی دیگر وارد کارزار نبرد شد و به بیاران اردوگاههای فلسطینی و مواضع نیروهای ملی و دست چپینا پرداخت و این اولین حضور «رسمی» ارتش در صحنه‌های نبرد بود، هرچند که در گذشته به همکاری با نیروهای فالانژیست و دست راست و حتی حمایت علنی از آنها میپرداخت ولی تمام این پشتیبانیها را بطور «غیر رسمی» انجام میداد. اما این نهاد حکومتی نیز مانند دیگر نهادهای حکومتی لبنان نمیتوانست از تعصبات مذهبی و عشیره‌ای برکنار باشد و بخصوص اینکه این نهاد حکومتی به یمن نیروی هوایی خود در صورت مداخله وسیع جنبش مقاومت فلسطین نمیتوانست بقبایه رزمندگان فلسطینی برخیزد (در جریانات اخیر لبنان نیروهای اصلی نظامی جنبش مقاومت فلسطینی وارد کارزار نشدند).

اولین انشعاب در درون ارتش پس از مداخله رسمی ارتش به نفع نیروهای دست راست و بیاران اردوگاههای فلسطینی و مواضع نیروهای ملی و دست چپی توسط ستوان یکم احمد الخطیب و با حمایت نیروهای ملی و چپ لبنان و نیروهای مقاومت فلسطین، در جنوب و غرب لبنان رویسداد. این

ستوان شورشی که سرود را ادامه دهنده راه عبدالناصر میدانند با استفاده از امکانات وسیع سیاسی نظامی، مالی جنبش فلسطین و پیرویه «الفتح» به گسترش دامنه عمل خود پرداخت و «ارتش عربی لبنان» را سازمان داد. در پی آن پادگانهای نظامی جنوب لبنان و بعد در شمال نیز یکی پس از دیگری پیوستن خود را به صفوف ارتش عربی لبنان اعلام نمودند و فرماندهان این پادگانها بدون در نظر گرفتن درجات نظامیشان، خود را در اختیار فرمانده این ارتش نوسازمان یعنی ستوان یکم احمد الخطیب قرار دادند. قدرت این ارتش اکنون یحیی رسیده است که اخیراً ستوان احمد الخطیب در مصاحبه ای تعداد پرسنل ارتش خود را ۲۵۰۰۰ نفر اعلام نمود که با توجه به حجم ارتش لبنان تعداد بسیار قابل توجهی است. باید توجه داشت که تمرکز قوای نظامی ارتش لبنان در جنوب آن کشور به علت هم مزی با اسرائیل از مناطق دیگر بیشتر است و به علت تجمع مسلمانان لبنان در جنوب اکثریت سربازان این پادگانها نیز مسلمان میباشند. در این میان جنبش فلسطین و در رأس آن الفتح با پشتیبانی و حمایت خود از ارتش عربی لبنان استفاده میرد زیرا از یکسو جبهه ارتش را به نفع نیروهای مقاومت و جنبش ملی و چپ لبنان تغییر میدهد و از سوی دیگر در

بقیه در صفحه - ۲

اخبار

روز دوشنبه ۳۰ فروردین ماه، رادیو تهران برخورد مسلحانه‌ای را در خیابان زیبا گزارش داد. خبر حاکی است که رفیق چریک که خود را در خیابان شهباز مورد تعقیب پلیس میبیند قصد فرار کرده و از یک تاکسی میخواهد که او را به میدان خرامان برساند ولی هنگامی که تاکسی را مورد تعقیب پلیس و ساواکیها میبیند در خیابان زیبا پیاده شده و به نبرد مسلحانه با پلیس و کاندوهای ساواک می پردازد و سر انجام برای آنکه زنده اسیر دشمن نگردد با نارنجک خود و در میان نیروهای دشمن بنزدگی انقلابی خود پایان میدهد. مطابق معمول خبر گزار جیره خوار رژیم تعداد کشته و زخمی شدگان نیروی دشمن را گزارش نداد و زخمیها را از میان مردم گزارش داد. بنا به گفته کارگزاران رژیم جنایتکار شاه يك قبضه سلاح گری، يك قبضه کارد شامتار و مقداری مدارک و نشريات مضره!! از رفیق بدست آمده که مأموران مزدور ساواک هویت رفیق را محمد رضا کامیابی و یکی از اعضای تیمی از سازمان چریکهای فدائی خلق معرفی کرده که در همین ماه گذشته در تبریز در يك خانه تیمی مورد محاصره نیروهای دشمن قرار گرفته و پس از چند ساعت نبرد دلاورانه همه به شهادت میرسند.

نامه به رفیق مادر

نامه برادر یازده ساله رفیق شهید نادر شایگان، به رفیق مادر سلام رفیق مادر، و وقت من از تو خبر می یابم که بازم در زندان مبارزه خود ادامه میدمی خوشحالم شوم. خوشحال میشوم که تو در زیر شکنجه های ضد خلقی رژیم بخوبی مقاومت کردی. از قول من و مقام رفقای سازمان برفقای همزم سلام برسان.

رفیق مادر، من میدانم که يك مبارز در زندان که همیشه فکر توده هاست و برای توده مبارزه میکند و بدشمن کینه فراوان دارد دشمن ننگ دارد اطلاعاتی جامع از قضایای بیرون کسب کند. ما همیشه عکس قرانگاه میکنیم و از خبرهایی که از تومی یا بوم می فهمیم که تو الهام بخش رفقا هستی و رفقا از تو نیرو میگیرند و همیشه ما پیش خود میگوئیم که: «تو هنوز هم پایداری هستی و بدفاع از خلق در زندان مشغول هستی» گاهی این فکر میکنم که آیا تو بیاد هستی، آیا تو به پیشرفتهای ما مینگری، آیا تو تجربه هائی را که ما در این شرایط ارجحی ایران بدست میاوریم میدانی، آیا توبه فکر سازمانها و گروههای در حال رشد ایران هستی؟

در ایران گروههای چریکی بسیاری تشکیل شده است که آنها مبارزه علیه رژیم و شرایط ارجحی ایران می پردازند. مبارزه مسلحانه تنها راه مبارزه علیه شرایط بد و ارجحی ایران است. دشمن با آنهمه مهات و سلاح و تجهیزات نمیتواند چریکها را تا بود کند و چریکهای ایران را که علیه تسلط امپریالیسم در ایران مبارزه میکنند شکست دهد. ما هرچه تجهیزات کم داشته باشیم میتوانیم مبارزه مسلحانه را در ایران ادامه بدهیم. حتی دشمن که تا دندان مسلح است نمیتواند روحیه کونیستی مبارزین در زندان را خرد کند. تو ببازرات ادامه میدمی تا حرفهای رفیق مرضیه را محقق بشی چنانکه او در نامه اش بتو نوشته بود: «خود را تاوان می یابم که بتوانم آنچه را در حق تو می اندیشم واحساس میکنم برایت بنویسم، تو مثل دریائی از خشم و محبت، خشم به دشمن توده و محبت به توده ها. چنانکه يك چریک فدائی خلق وجودش سرشار از عشق و بخلق و کینه بدشمنان خلق است. تو موج دریائی هستی که هیچوقت آرام نمیگیری، تو همچون شعله‌ای فروزان در قلب ما هستی و بما نیرو میبخشی که مشعل فروزان انقلاب را در ایران روشن نگهداریم و هیچوقت نگذاریم تا دریای بیگران خلق که بر علیه دشمن متسد میشوند تا رژیم سرسپرده ایران را تا بود کنند آرام گیرد.

رفیق مادر، در جریان دستگیرهای بعد از سناهلکل فردی بنام نوشیروان پور که خیانت کرده بوده در اردیبهشت ۵۴ بسزای اعمال تنگین خود رسید و اعدام انقلابی شد، او بعد

بقیه در صفحه ۳

این حق مسلم توده‌هاست که خشونت پمپلیسم را با خشونت انقلابی پاسخ دهند

بقیه کودتا در لبنان

مقابل ارتش آزادیبخش فلسطین و «الصاعقه» نیروی ارتشی منظمی را سامان میدهد.^(۱۳)

مقدمات کودتا:

ساخت ارتش لبنان به جناحهای مختلفی تقسیم میشود: جناح طرفدار فالانژیستها یا جناح اولترافاشیست که رهبری آن با ژنرال اسکندر غانم فرمانده سابق ارتش می باشد، این ژنرال در طول حوادث اخیر پس از دخالتهای مستقیم سوریه بکنار زده شد.

جناح راست معتدل ارتش که پس از دخالتهای سوریه قدرت یافت، این جناح که نجات لبنان را در حفظ وحدت ارتش میدانند گرچه بظاهر جناح میانه و معتدل را تشکیل میدهد ولی در «عمل» و در «خطات» حساس و به جناح اولترافاشیست فالانژیستها می پیوندد.

جناح چپ یا جناح طرفدار جنبش مقاومت فلسطین که بیشتر از افسران جزء و درجه داران و سران سازمان تشکیل میشود و از حمایت جنبش مقاومت برخوردار است.

ورشد اختلافات این کشور با جنبش مقاومت فلسطین - بر خورشورداروند مواجه شد.

کودتای یازده مارس:

در شب یازده مارس پس از شکست میساینجیگری سوریه و بازگشت هیئت نمایندگی آن کشور به دمشق، افسران عالیرتبه ارتش با موافقت ضمنی سوریه دست بکار شدند و از آنجا که وابستگی سیاسی ژنرال حنا سعید (فرمانده ارتش) به بخش ارتجاعی مسیحی و امریکا کاملاً آشکار بود و رهبری کودتا برای حفظ ظاهر میبایست از مسلمانان حداقل بیطرف باشد ناچار کودتا شخصیتش را در ژنرال «عزیز الاحدب» فرمانده پادگان بیروت یافت. عزیز الاحدب نیز با جلب رضایت افسران زیر دستش و در همکاری با سیاست جدید سوریه دست به کودتای نیم بند زده و راديو لبنان و فرستنده تلویزیونی کابل دفت را ابتدا اشغال نمود. نیروهای جنبش مقاومت در فردای همانروز حمایت این دو مرکز را بعهده گرفتند و بدین ترتیب کودتایی که بهترین خواست آن استعفای فرنجیه و غزو عمومی برای افراد ارتش عربی لبنان و وحدت ارتش لبنان بود در همین حد عقیق ماند.



حتی پیرزنان نیز اسلحه برداشتند و در دفاع از مناطق خود در برابر نیروهای ارتجاع مبارزه پرداختند

ولی جنبش مقاومت در همکاری با نیروهای ملی و چپ و ارتش عربی لبنان موقعیت را مناسب دیده و کودتا را به ضد کودتا علیه ارتش، جنبه قصر بعیدا، و حتی سوریه تبدیل نمودند. این نیروها با پیشروی خود، گلوله باران قصر ریاست جمهوری و سپس اخراج فرنجیه از قصر به پیروزی بزرگ، چه از نظر سیاسی و چه از نظر نظامی - دست یافتند.

ادامه جنگ و نتایج آن در صحنه سیاسی:

آنچه که ابتدا میرفت راه حلی برای نیروهای راست معتدل، ارتش و سوریه باشد به ضد خود تبدیل شد و تحرك وسیعتر مردم بر ضد ارتش و حتی ضد سوریه را بدنبال داشت. احساسات ضد سوریه ای مردم لبنان و فلسطینیهای مقیم لبنان بخصوص پس از آشکار شدن ماهیت اصلی میساینجیگری سوریه که بظاهر بیطرفی ادعای این جنبش مقاومت و نیروهای ملی و چپ وارد شده ولی در عمل بخاطر دنباله روی کوتاه بینانه از منافع خود به ضد جنبش مقاومت و نیروهای ملی و چپ تبدیل شده بود، حکومت سوریه را بشدت نگران کرد. سوریه که ادامه وضع را منجر به خارج شدن لبنان از حوزه کنترلش و استقلال بیشتر جنبش مقاومت میدید ناگهان به حمایت از جنبه قصر بعیدا پرداخت و حتی با ارسال نیروهای تحت کنترلش - ارتش آزادیبخش فلسطین (بعض سوریه) و نیروهای الصاعقه به حمایت از قصر و همچنین تهدید به مداخله نظامی به نفع جنبه قصر - چهره واقعی خود را نشان داد. این موضعگیری سوریه منجر به بروز اختلافات شدیدی میان جنبش مقاومت و سوریه و طرفداران آن گردید که زده و خوردهای متعدد و پراکنده نیروهای سازمان مقاومت از یکسو و ارتش آزادیبخش فلسطین و الصاعقه از سوی دیگر بیانگر این اختلافات است.

در همین مصافها بود که سوریه - این دایه مهربانتر از مادر جنبش مقاومت - ماهیت حقیقی دخالتشسای خود را نشاناند و از سوی دیگر جنبش ملی و چپ لبنان توانست به

عمده ترین هدف مرحله ای خود - بدست آوردن قدرت بیشتر در لبنان - دست یابد. فلسطینیها نیز در این میان جای پای خود را در لبنان محکمتر نموده و اکنون کنترل تمام نواحی جنوبی و قسمتهایی از غرب و شمال لبنان را در همکاری با ارتش عربی لبنان بدست گرفته اند. انعکاس مستقیم این پیروزی نظامی، بدست آوردن استقلال بیشتری برای جنبش مقاومت فلسطین در مقابل سوریه میباشد.

بدون شك جنگ لبنان خاتمه نیافته است و در جنبه های مختلف سیاسی و نظامی ادامه خواهد یافت. جنگ لبنان و تهاجم نیروهای فاشیست به جنبش ملی و چپ لبنان و در رأس آن انقلاب فلسطین جزئی از «طرح جامع» امریالیستها در منطقه است کسه هدفش خاموش کردن انقلاب خلقهای منطقه و در رأس آن جنبش فلسطین است. ما در فرصتهای آینده به توضیح بیشترین برنامه تهاجمی خواهیم پرداخت. توضیحات:

۱- ارتش آزادیبخش فلسطین در ظاهر جناح ارتشی سازمان آزادیبخش فلسطین و تحت فرماندهی پاس عرفات میباشد - نباید این ارتش را با نیروهای مسلح انقلاب فلسطین اشتباه نمود - و در کشورهای مصر، سوریه، عراق و اردن! پایگاههایی دارد و در حقیقت ادامه همان ارتش آزادیبخش احمد شوقری است که قبل از ایجاد سازمانهای کنونی انقلاب فلسطین توسط کشورهای عربی بوجود آمد که البته اکنون این ارتشها در هر کشور تحت فرماندهی آن کشور قرار دارند و تمام بودجه، تسلیحات، آموزش... توسط این کشورها تأمین و در نتیجه اداره میشوند. دولتای عربی برای بهره گیری از مسأله فلسطین و همچنین در زیر سلطه گرفتن انقلاب آن سعی دارند در زیر لوای شعارهای «آزادی» و «مبارزه» و... قدرت نیروهای مستقلمت فلسطین را در جنبش خود کم نمایند و آنها را بیشتر زیر بال خود بگیرند. مثلاً «الصاعقه» بعنوان بخشی از نیروهای مسلح انقلاب فلسطین در حقیقت سازمان بعضی طرفدار سوریه در انقلاب فلسطین است یا جنبه آزادیبخش عرب، جناح بعضی طرفدار عراق در نیروهای مسلح انقلاب فلسطین میباشد. در حوادث اخیر بخش سوریه ای ارتش سوریه بلحاظ این دو سازمان (و حتی ورود بخشی از ارتش فدائیان فلسطین و حمایت از یورشوازی مسلمانان - عدالتسوی - بنفع سوریه در لبنان بهره برداری کنند. الفتح و دیگر سازمانهای مقاومت با تمام اختلافات درونی خود - که بیشتر در شکل چگونگی برخورد با مسأله کفرانسن ژنر ظاهر میگردد -

در مورد مقابله با این دخالت مستقیم سوریه موضع گرفتند و حتی پیشنهادهایی در مورد وحدت مجدد این سازمانها مطرح گردید. (۲) - حکومت محدود - طرح پیشنهادی جنبه قصر بعیدا مبنی بر ایجاد حکومتی با ۱۲ وزیر بود که در مقابل طرح «حکومت وسیع» مطرح شده از جانب نیروهای ملی و چپ دائر بر ایجاد حکومتی با ۲۴ وزیر عنوان شد. (۳) - این طرح در برگیرنده خواستههای زیر بود:

- أ - تصویب قانون عفو ارتش برای افراد ارتش عربی لبنان.
- ب - پذیرفتن هفت هزار نفر دیگر در صفوف ارتش.
- ج - اجرای قانون تبعه ملیون لیه ای مسلح نمودن ارتش.
- د - انتقال پادگاههای ارتش به مواضع استراتژیک.
- ه - تعیین اختیارات فرماندهی ارتش (در طول حوادث برسر فرماندهی ارتش که آیا رئیس جمهور، نخست وزیر یا وزیر دفاع باشند جداگانه فراوان در گرفت).

همانطور که ملاحظه میشود هدف اساسی این طرح تحکیم قدرت ارتش در نزاعهای داخلی لبنان میباشد.

(۴) - علیرغم یازده ماه مبارزه خونین در لبنان و کشته شدن بیش از بیست هزار نفر و زخمی شدن دهها هزار نفر، آنچه در لبنان میگذرد جنگی نیست که به انقلاب اجتماعی در لبنان و یا حداقل سقوط حکومت پرزواکپرادور آن بیانجامد و این بخاطر ماهیت نیروهای درگیر در جنگ است. جنگ لبنان را میتوان بازی سیاسی برای گرفتن امتیازات بیشتر چه در مورد مسائل داخلی لبنان و چه در مورد روش کردن وضع فلسطینیها در لبنان تلقی نمود.

بقیه اخبار

نزدیکی قرار داشت می شکند ولی نیروهای امدادی مزدور سر رسیده و دانشجویان متفرق میشوند.

تبریز - یک کارگر جوان کارخانه پنبه تبریز که از شدت فشار فقر عاصی شده بود با چاقو به یک مهندس مزدور و منفور که از رؤسای کارخانه بوده حمله میکند و او را در صحنه کارخانه از پای میآورد.

تهران - شایع است که در بل چوبی طی یک درگیری مسلحانه سه انقلابی به شهادت رسیده اند. فعلاً اطلاعات بیشتری در دست نیست. اخیراً در نقاط متعددی سدای تیراندازی شنیده میشود. مأمورین رژیم پسرک که کوچکترین ظنی پیدا میکنند، در صورت مقاومت او دست به تیراندازی میزنند.

اعتصابات کارگری در سراسر کشور اوج توفانی یافته است. در ماههای اخیر بخصوص اعتصابات کارخانه کاغذ پارس هفت تپه، چاپخانه ۲۵ شهریور، تراکتور سازی تبریز، کارخانه زیبا، معدنچیان سنگرود، کارگران تعمیرگاه پالایشگاه نفت آبادان (سندیگای شماره ۲) حائز اهمیت هستند. در اعتصاب کارگران پالایشگاه که پنج روز طول کشید عده زیادی از کارگران تبعید شدند. در اعتصاب کاغذ پارس هشت نفر کارگر استعفا میدهند و قسمتی از کارخانه میخواند. مأمورین ساواک به خانه کارگران ریخته و آنها را به ساواک میبرند و میگویند کار نکردن شما یک میلیون تومان به کارخانه ضرر زده است و باید این پول را از کار خود بپردازید!!!

و به سر کار بروید. کارگران امتناع میکنند، در نتیجه مأمورین ساواک دوباره به خانه آنها رفته و اذیت و لوازم زندگی آنها را به خیابان میزنند. بقیه کارگران و باختر همبستگی با کارگران دستگیر شده شروع به خرابکاری میکنند و سیمهای کارخانه را قطع میکنند. در محل قطع یکی از این سیمها چند قطره خون بر زمین ریخته بود. رژیم که این اعتصاب و خرابکاری را مطابق یک برنامه میدید، تمام کوشش خود را برای کشف هویت خرابکاران بکار برد. این قطرات خون را به آزمایشگاه فرستاد و از تمام کارگران نمونه خون گرفت. کارگران با هوشیاری خاص این عمل رژیم برخورد کرده و تشبثات ساواک را بحق تحقیر میکردند.

در بابلسر هیچک از ثروتمندان جرأت خروج از خانه در شب را ندارند. به خانههای این افراد مکرراً تلفن های تهدید آمیز میشود و سراسر شهر با شمارهای ضد رژیمی که بنوعی مبتکرانه ای برجسته است پوشیده شده است. مأمورین ساواک دانشجویان مدرسه عالی بابلسر را مسئول دامن زدن به کار و تبلیغ در میان مردم شهر میدانند و عده کثیری را دستگیر کرده اند ولی این کارها ادامه دارد.

تهران - یک گروه ۷ نفری از دانش آموزان دبیرستان محمد علی فروغی بجرم چاپ و پخش اعلامیه ضد رژیمی دستگیر شده اند.

چندی پیش در یک مدرسه دوره اول راهنمایی یک دانش آموز دهساله ناگهان در کلاس بیایستد و میگوید: «امروز

دستگیر شده ام»

چندی پیش در یک مدرسه دوره اول راهنمایی یک دانش آموز دهساله ناگهان در کلاس بیایستد و میگوید: «امروز

دستگیر شده ام»

دستگیر شده ام»

دستگیر شده ام»

دستگیر شده ام»

دستگیر شده ام»

دستگیر شده ام»

ساواک در آمل یک ماشین مأمورین ساواکی، یک راننده تاکسی را که به آنها راه نداده بود زیر ضربات جود کاراته به جوی آب پرتاب میکنند. رانندگان چند تاکسی دیگر به خاطر همبستگی در جریان درگیر میشوند بطوریکه ساواکیها مجبور میشوند با تپیدن اسلحه آنها را متفرق کنند.

مشهد - در شازده آذر تظاهرات وسیعی در دانشکده های مختلف دانشگاه مشهد انجام گرفت. دانشجویان دانشکده پزشکی، علوم ادبیات به خیابانها ریخته و شیشه های بازمای از مؤسسات را خرد میکنند و سرود «ای رفیقان» را میخوانند و شعارهایی در بزرگداشت شهدای ۱۶ آذر، شهدای فدائی و مجاهد، حمایت از آیت الله خمینی و محکوم کردن حزب رستخیز میدادند. ۳۰ نفر از دانشجویان که در خیابان خسروی ریخته بودند اعلامیه های پیشاپیش پخش کردند. پلیس میکوشید تا اعلامیه ها را از مردم بگیرد. سراسر خیابانهای اطراف ملو از پلیس شده بود. پخش نفر از دانشجویان دانشکده ادبیات و دو نفر از دانشکده علوم دستگیر شده اند.

شایع است که رئیس گارد دانشگاه تبریز را در خانه اش کشته اند.

دانشجویان دانشکده علم و صنعت بناسبت همدردی با مردم خمیران تو که دولت خانه هایشان را خراب کرده و دو نفر از معترضین را کشته است، اعتصاب بکروزه کردند. آنها پس از پخش اعلامیه شیشه های نامرغوری و مفر گارد دانشگاه را شکستند.

در تاریخ ۱۹۷۶/۳/۱۱ بین چهار نفر از اعضای ارتش آزاد پیش ترکیه بنامهای: ابوز کلاهمان، حسن بصری نیز آف، یوسف زیاکنش، ایلکز اگیان، در اداره پست شهر مالاتیا، با مأموران اطلاعات حکومت ترکیه که از آنها کارت شناسایی میخواستند درگیری ایجاد می شود. شاع این برخورد به اطراف شهر کشیده و حکومت ترکیه، با تکرر قوا و استفاده از پلی کویتر انقلابیون را محاصره می نماید. در این درگیری سه نفر از انقلابیون شهید گشته و یک نفر مجروح و دستگیر می شود. همچنین چندین مأمور امنیتی نیز کشته می شوند.

در تاریخ ۱۹۷۶/۴/۸ دانشجویان و کارگران در میدان جمال گورسل در آنکارا بر علیه حکومت دست به تظاهرات می زنند. پلیس مانع این تظاهرات گشته و در آخر کار به برخورد پلیس با تظاهر کنندگان میبکشد.

در این برخورد دو نفر شهید، هفده نفر مجروح و بیش از پانصد نفر از طرف پلیس دستگیر می شوند.

در تاریخ ۱۹۷۶/۴/۱۳ یک خانه که دو نفر انقلابیون در آن ساکن بودند توسط پلیس ترکیه محاصره می شود. بین پلیس و انقلابیون تیراندازی شده، که در نتیجه یک نفر از انقلابیون شهید گشته و یک نفر دیگر موقتاً به فرار می گردد، همچنین چندین مأمور پلیس نیز در این برخورد کشته می شوند.

در تاریخ ۱۹۷۶/۴/۱۳ یک خانه که دو نفر انقلابیون در آن ساکن بودند توسط پلیس ترکیه محاصره می شود. بین پلیس و انقلابیون تیراندازی شده، که در نتیجه یک نفر از انقلابیون شهید گشته و یک نفر دیگر موقتاً به فرار می گردد، همچنین چندین مأمور پلیس نیز در این برخورد کشته می شوند.

در تاریخ ۱۹۷۶/۴/۱۳ یک خانه که دو نفر انقلابیون در آن ساکن بودند توسط پلیس ترکیه محاصره می شود. بین پلیس و انقلابیون تیراندازی شده، که در نتیجه یک نفر از انقلابیون شهید گشته و یک نفر دیگر موقتاً به فرار می گردد، همچنین چندین مأمور پلیس نیز در این برخورد کشته می شوند.

در تاریخ ۱۹۷۶/۴/۱۳ یک خانه که دو نفر انقلابیون در آن ساکن بودند توسط پلیس ترکیه محاصره می شود. بین پلیس و انقلابیون تیراندازی شده، که در نتیجه یک نفر از انقلابیون شهید گشته و یک نفر دیگر موقتاً به فرار می گردد، همچنین چندین مأمور پلیس نیز در این برخورد کشته می شوند.

در تاریخ ۱۹۷۶/۴/۱۳ یک خانه که دو نفر انقلابیون در آن ساکن بودند توسط پلیس ترکیه محاصره می شود. بین پلیس و انقلابیون تیراندازی شده، که در نتیجه یک نفر از انقلابیون شهید گشته و یک نفر دیگر موقتاً به فرار می گردد، همچنین چندین مأمور پلیس نیز در این برخورد کشته می شوند.

در تاریخ ۱۹۷۶/۴/۱۳ یک خانه که دو نفر انقلابیون در آن ساکن بودند توسط پلیس ترکیه محاصره می شود. بین پلیس و انقلابیون تیراندازی شده، که در نتیجه یک نفر از انقلابیون شهید گشته و یک نفر دیگر موقتاً به فرار می گردد، همچنین چندین مأمور پلیس نیز در این برخورد کشته می شوند.

در تاریخ ۱۹۷۶/۴/۱۳ یک خانه که دو نفر انقلابیون در آن ساکن بودند توسط پلیس ترکیه محاصره می شود. بین پلیس و انقلابیون تیراندازی شده، که در نتیجه یک نفر از انقلابیون شهید گشته و یک نفر دیگر موقتاً به فرار می گردد، همچنین چندین مأمور پلیس نیز در این برخورد کشته می شوند.

در تاریخ ۱۹۷۶/۴/۱۳ یک خانه که دو نفر انقلابیون در آن ساکن بودند توسط پلیس ترکیه محاصره می شود. بین پلیس و انقلابیون تیراندازی شده، که در نتیجه یک نفر از انقلابیون شهید گشته و یک نفر دیگر موقتاً به فرار می گردد، همچنین چندین مأمور پلیس نیز در این برخورد کشته می شوند.

در تاریخ ۱۹۷۶/۴/۱۳ یک خانه که دو نفر انقلابیون در آن ساکن بودند توسط پلیس ترکیه محاصره می شود. بین پلیس و انقلابیون تیراندازی شده، که در نتیجه یک نفر از انقلابیون شهید گشته و یک نفر دیگر موقتاً به فرار می گردد، همچنین چندین مأمور پلیس نیز در این برخورد کشته می شوند.

در تاریخ ۱۹۷۶/۴/۱۳ یک خانه که دو نفر انقلابیون در آن ساکن بودند توسط پلیس ترکیه محاصره می شود. بین پلیس و انقلابیون تیراندازی شده، که در نتیجه یک نفر از انقلابیون شهید گشته و یک نفر دیگر موقتاً به فرار می گردد، همچنین چندین مأمور پلیس نیز در این برخورد کشته می شوند.

بقیه نامه به رفیق مادر

از آنکه دستگیر شده بود بفرح و رزم به پای تو بزمین آمده بود و صحبت کرده بود.

تا بحال اعدام خائنان دیکری بجز نوشیروان پور خائنی صورت گرفته است. در سال ۵۳ فتنح جنایتکار صاحب کارخانجات جهانجیب، بخاطر پایمال کردن حقوق کارگران و کشتن آنها در کروانسران سنگی، اعدام انقلابی شد. در این مورد رفقا اعلامیه و خطابه های نوشته اند که آنها بطور وسیع در میان کارگران پخش گردانند.

نیک طبع شکنجه گر معروف و مأمور عالی رتبه سازمان امنیت که رفیق اشرف دهقانی را در زیر شکنجه تحسود گذاشته بود، اعدام انقلابی میشود. اعدام او تأثیر بسیار خوبی بر روی دانشجویان و مردم می که او را می شناختند، بخصوص زندانیان سیاسی که تحت شکنجه او قرار گرفته بودند، داشت. دانشجویان به پیشرفت سازمان مامیگرند. و در حال حاضر این پیشرفت با آنها نیرو میدهد که همانند کنگ با ما مبارزه خود علیه رژیم را و سمت بکشند.

سروان نوروزی رئیس گارد دانشگاه صنعتی آریامهر بدست سازمان اعدام انقلابی شد. سروان جنایتکار، با یازده گلوله به زندگی تنگینش پایان داده شد. او دانشجویان را کتک میزد و حق دانشجویان را نیز بقتل رسانده بود. مرگش برای عیار شهبازی جاسوس سازمان امنیت و عضو سابق حزب توده، اعدام انقلابی شد. او رفقای گروه رفیق جزینی را لو داده بود.

از طرف دیگر سازمان ضربه های بسیار خورده است. رفقای بسیاری از سازمان چریکهای فدائی خلق شهادت رسیده اند. در همین سال (۵۵) رفقای بسیاری مانند رفیق پری، رفیق زهت سادات روحی آهنگران، رفیق خشتیار

سنجری، رفیق علی اکبر جمفری، رفیق مارتیک قازاریان، رفیق سعیدی، رفیق محمد بلوری، گروه رفیق جزینی، و رفقای بسیار دیگری شهید شده اند. یکی از رفقای سازمان ما که در مشهد شهید گشت رفیق جهانجیبش بایستداری بود. او در یکی از روستاهای مشهد شهید گشت. رفیق پری یکی از رفقای بسیار خوب سازمان ما بود. او در آذرماه شهید گشت. او در درگیری با رفیقی بود و در نظام آباد، خیابان گرگان بعد از یک درگیری مفصل در کوه چسبانی با نارنجک خود خود کشتی کرد تا زنده بدست دشمن نیفتد.

شهادت رفقا و تیرباران آنها بدست دشمن نمیتوانست از قدرت سازمان و فعالیت آن بکاهد چه جای خالی رفقا را کسانی که بسازمان می پیوستند، پر میکنند و سلاح آنها را در دست میگیرند. پس می بینیم که خلق در مبارزه برای رهائی خود از زیر یوغ رژیم سرسپرده خائنان فرزندان بسیاری را از دست داده است. و از طرف دیگر خائنان دیگری که او را زیر یوغ امپریالیسم گذاشته اند وسیله فرزندان خلق اعدام شده اند.

رفیق مادر، ما درس میخوانیم. ما احتیاج داریم که درس بخوانیم و برای این درس میخوانیم که بسازمان کمک زیادی کنیم. بتوانیم برای سازمان که برای رهائی خلق مبارزه میکنند کمک کنیم. ما تائب میکنیم و برای سازمان جزوه در میآوریم.

رفیق مادر ما را می که تو دنبال کرده ای ادامه میدهم، گرچه تو در زندان میباشی ولی تو با نیرو میدمی که مبارزه کنیم، ما در انتظار آن هستیم که روزی خلق پیروز شود و زندانیان سیاسی را آزاد کنیم و روزی هم موفق بدیدن زندانیان سیاسی، بخصوص تو بشویم.

با ایمان به پیروزی راهمان مرگ بر شاه

با ایمان به پیروزی راهمان مرگ بر شاه

با ایمان به پیروزی راهمان مرگ بر شاه

با ایمان به پیروزی راهمان مرگ بر شاه

با ایمان به پیروزی راهمان مرگ بر شاه



با احترام روز

BAKHTAR EMROOZ No. 72 APR. 1978 vol IV

اخبار

چندی پیش یکی از افسران مین پرست بنام سرگرد علی عباسی فرمانده گردان پادگان شاهپور در استان آذربایجان که پس از مصادره ده قبضه کلت ۱۱ میلی متری و یک قبضه اسپرینگفیلد امریکائی و اسناد و مدارک زیادی از ارتش ضد خلقی شاه، به سازمان مجاهدین خلق پیوسته بود در یک دورگیری خیابانی بامزدوران سازمان امنیت و پلیس به شهادت رسید. سرگرد میهنپرست علی عباسی در صف مبارزان خلق جای گرفت تا به مبارزه علیه دشمنان و غارتگران خلق بپردازد و در این راه نیز شهادت رسید.

در تاریخ سوم آذرماه گذشته یکی از مبارزان مجاهدین خلق در خیابان شیوا (واقع در جنوب شرق تهران) با دو گشتی کتبه برخورد میکند و لژیون با گشودن آتشبار سریع خود قبل از آنکه فرصت هرگونه عملی به گشتیهای ساواک بدهد با استفاده از شناسائی منطقه موفق به فرار می شود.

چندی پیش رژیم جنایتکار یکبار خبر اعدام دو مبارز و حکومت سه مبارز دیگر را به حبس ابد و ده سال منتشر ساخت. این مبارزان:

- ۱- رفیق شهید محمود پهلوان، دانشجوی مال چهارم رشته برق دانشکده فنی دانشگاه تهران، اهل زاهدان.
- ۲- رفیق شهید محمد علی باقری، دانشجوی مال سوم رشته متالورژی دانشکده فنی دانشگاه تهران، اهل زابل.
- ۳- رفیق مهدی نیکدل، دانشجوی مال سوم رشته الکترونیک دانشکده پلی تکنیک تهران، اهل مشهد، محکوم به حبس ابد.

۴- رفیق نور احمد لطیفی، دانشجوی مال پنجم دانشکده پزشکی دانشگاه جندی شاپور امواز، اهل زابل، محکوم به حبس ابد.

۵- رفیق محمد ناصر جادونیان، محکوم به ده سال زندان. در تاریخ ۲۵ آذرماه گذشته یکی از مبارزان سازمان مجاهدین خلق سیدان حسن سبحان الهی در سر قرار دستگیر و احتالاً شهید شده است.

در اواخر آذرماه گذشته یکی دیگر از مبارزان سازمان مجاهدین خلق هاشم نخسود بریز در یکی از خیابانهای غرب تهران دستگیر و احتالاً شهید شده است.

چندی پیش رفیق مجاهد زین العابدین حقانی در خانه‌ای واقع در خیابان غار دستگیر گردید.

مجاهد زینال در سال ۱۳۵۰ در جریان درگیری معروفی که به شهادت مجاهد احمد رضائی انجامید دستگیر شد و بعد از تحمل شکنجه‌های بسیار و گذراندن پایداریانه سه سال اسارت چندی پیش آزاد شده بود و مجدداً در کنار دیگر زندمندان سازمان مجاهدین خلق به مبارزه خود ادامه داد. اکنون از سر نوشتوی اطلاعی در دست نیست.

در تاریخ ۲۵ آذرماه گذشته خانه تیمی پنج تن از انقلابیون در خیابان صفی علیشاه مورد تاجم پلیس قرار گرفت. در درگیری مسلحانه‌ای که میان انقلابیون و مزدوران پلیس روی داد گفته می شود که دو تن از انقلابیون (یک دختر و یک پسر) شهید و سه انقلابی دیگر دستگیر شده اند.

چندی پیش گروهی که در قزوین دست اندر کار تدارک فعالیت سیاسی - نظامی بوده و رفته و بیش از ده نفر از افراد آن دستگیر می شوند.

تهران - رژیم مزدور دزدان و غارتگران حق‌هنگام دروغپردازی نیز قیاس به نفس میکنند. ورق پاره‌های اجیر رژیم با آب و تاب فراوان غیر خود کشی يك انقلابی را پس از دزدیدن يك قطعه کتی درج کردند تا بلکه بدنیوسیه انقلابیون را بدنام کنند.

جریان واقعه از این قرار بوده است که در روز پنج شنبه ۳۰ بهمن، چریک فدائی، رفیق کارگر... در خیابان لاله‌زار مورد سوء ظن و تعقیب پلیس قرار گرفته و در حین فرار وارد يك مغازه میشود و برای جلوگیری از سوء ظن صاحب مغازه يك قطعه کتی میخواند ولی بعزت تعقیب پلیس موفق به پرداختن پول نمیشود صاحب مغازه که از تعقیب پلیس اطلاع نداشته تصور میکند که رفیق قصد دزدی دارد و بنای فریاد را میگذارد پلیس تعقیب کننده از موقعیت استفاده کرده و برای کت مردم در دستگیری رفیق فریاد دزد، دزد سر میدهد. رفیق با کشیدن نارنجک و هشدار دادن به مردم، هنگامی که دیگر امکان فرار برایش نبوده است، پلیس مزدور و خودش را میکشد. رژیم رذل و ننگین پهلوی برای قابل باور کردن داستان حق از کشته شدن پلیس صحتی بیان نیارود. غافل از اینکه با این تمتهائی که از فرط ابتذال، شایسته دوامان پهلوی است، مردم فریب نخواهند خورد و آفتاب را با گل نمیتوان اندود.

در همین روز رژیم خبر يك درگیری دیگر را - روز سه شنبه ۲۸ بهمن - در حال مرقت کیف یک زن، ۱۴ منتشر ساخت. ما از واقعت این مسئله اطلاعی نداریم. ولی يك چیز را میدانیم و آن اینکه این سبیل رژیم که از روی استیصال، انقلابیون را جیب برم خطاب میکند، از آن حماقت‌های تاریخی است که بسا ارباب اعظم زده و بر خلاف خواست آنها، مردم را بیش از پیش نسبت به چنین تمته زندگانی متفر خواهد کرد. مرگ رژیم مستأصل و زنده باد هویشاری خلق.

در روز ۲۵ آذر یکی در آزمایشگاه مدرسه عالی بازرگانی منفجر شد و اعلامیه‌ای از طرف گروه مذهبی «عمار یاسر» منتشر شده است. این اعلامیه علت انفجار را در بزرگداشت شهدای ۱۶ آذر و اعتراض به دوسانی که در مدرسه بازرگانی در انطباق با منافع سود جووانه امپریالیسم امریکا میدهند ذکر کرده است. اعلامیه با دو اخطار زیر خاتمه مینماید: اخطار ۱ - به رژیم و دژ خیان گارد طلسم دانشگاهها اعلام میکنیم که اگر از فشار خود در دانشگاه نگاهند و نیروی خود را از محیط علم و دانش و پناگیری انقلاب نوپای ایران خارج نمانند، دست به اقدامات جدی تری خواهیم زد.

اخطار ۲ - به تمام دانشجویان خسود فروش و سر سیرده ساواک اخطار میکنیم که اگر بار دیگر انتشارات خلقی را تسلیم اربابان نمایند و یا در خصوص اعتصابات دخالت نمایند باخسودت عمل انقلابیون روبرو خواهند شد. تهران - در روز ۵ آذر يك انقلابی ناشناس با مرفور- سیکلت به دانشکده علم و صنعت آمده و در حالی که صورت خود را پوشانده بود در دانشسوی ساواکی رذل بنامهای هواکشیان و زرافشانیان را هدف گلوله قرار داد. یکی از این ساواکیها کشته شده و دیگری شدیداً زخمی شده است. این عمل اثر بسیار مثبتی بروی دانشجویان دانشکده علم و صنعت داشته است. دو روز بعد يك افسر در جلو همین دانشکده بملقی که روشن نیست تیراندازی هوائی میکند. دانشجویان به خیابان ریخته و شیشه‌های موبانک را که در آن

بقیه در صفحه ۳

اعدامهای رژیم و پیگیری مبارزه

رگبار مسلسل کارگزاران امپریالیسم در ایران، بار دیگر سینه جوانان انقلابی مین مارا شکافت. ارتجاع محمد رضا شاهی درمانده از مقابله با تلاطم امواج انقلابی که امروز بطور هم جانیه - هر چند در مراحل اولیه - در ایران چشم میخورد، در مانده از مقابله با جوانانی که همه چیزشان را از دست میدهند تا همه چیز را برای همه بدست آورند، بار دیگر، و نه حتماً برای آخرین بار به چوبه اعدام و میدان تیر متوسل شد.

صدور حکم اعدام گروهی از زندمندان سازمان مجاهدین خلق ایران و اجرای این حکم در مورد آنان و از جمله زن زندمندی که برای اولین بار در تاریخ مبارزاتی خلق ما بچوبه اعدام بسته می شود نشانه‌ای از ده منشی و وحشیگری رژیم جنایتکار آریامهری است.

دامنه این اعدامهای دسته جمعی به اعدام مبارزان انقلابی محمد علی باقری و محمد پهلوان کشیده شد و ابعاد آن تا کشتارهای خیابانی گسترده گردید. مبارزان مین، از سازمانها و گروههای مختلف، به چوبه‌های اعدام سپرده شدند تا فاشیسم آریامهری چند صباحی بیشتر بزندگی ننگین خود ادامه دهد، اما زهی خیال باطل.

مبارزه انقلابی مردم ایران - که امروزه در حادثین شکل ممکن، مبارزه مسلحانه، توسط گروهها و سازمانهای مختلف نمایندگی می شود - مبارزه‌ای است که ریشه در بطن شرایط عینی جامعه ایران دارد، و روبرو با نظام سرمایه داری وابسته و فاشیسم مطلقه سلطنت رشد پیدا می کند، از اینرو مبارزه‌ای است اصیل و خلقی، و این همه طوفان نیست، این آغاز طوفان همه جانبه خلقهای ایران است. این تصور بیهوده و پوچ همه ارتجاعیون - و منجمده امحق ترین آنها آریامهر جنایتکار است - که می پندارد با گلوله و توپ میس توان جبری حرکت تاریخ را گرفت.

نگاهی کوتاه به مصافهای چند ماهه اخیر و حماسه آفرین فرزندان انقلابی خلق - و بنا به اعتراف خسود رژیم جنایت پیشه - که در آن بیش از چهل نفر شهید شده‌اند، و همچنین ادامه مبارزه که در شکل عملی و مشخص در اعدام انقلابی سرهنگ ناهیدی و انفجار فرمانداری رودسر تجلی می یافت، نشانه عزم راسخ انقلابیون مین - که خود تجلی اراده تاریخ است - در ادامه مبارزه بی امان خود علیه امپریالیسم و ارتجاع محمد رضا شاهی است. آری نه زندان، نه شکنجه، نه کشتارهای روزانه خیابانی، و نه اعدامهای دسته جمعی، هیچکدام نمیتوانند از موج پیشرو مبارزات مردم مین ما جلوگیری کنند.

ما در سال ۵۴ شاهد حماسه پرشکوه خلق، پایداری دلیران اسیر در زندان، جاری شدن خون مین پرستان بروی سنگفرشهای خیابانها و میدانهای اعدام بوده ایم این حماسه‌ها و این قهرمانها در سالهای بعد باشکوهی بیشتر و در ابعادی گسترده‌تر و عمیقتر ادامه خواهد یافت. اینها نوید آغاز انقلابند، و وثیقه آزادی فردايند.

یاد همه شهدای خلق گرامی باد

مرگ بر رژیم مزدور محمد رضا شاهی

ظفر مند باد مبارزه عادلانه خلق عمان